

## طرفداران اجرای حدود در عصر غیبت به هدف از تشریح حدود، یعنی «مصلحت عامه و جلوگیری از فساد و نشر فجور و سرکشی افراد» و همچنین اطلاق ادله حدود استناد کرده‌اند

می‌کند، ولی در ادامه اجرای حد را جز برای مجتهدی که علم او به احکام بر اساس علم او به مأخذ حکم است (ظاهراً یعنی علم او به ادله تفصیلی و اجتهادی حکم است) مجاز نمی‌داند. این عبارت مانع از آن است که صدر مطلب را صرفاً به دلیل نقل نظریه با عبارت «قبیل» به معنای رد آن از جانب محقق حلی بدانیم. این در حالی است که داب و روش معمول محقق حلی در شرایع آن است که در مواردی که دو قول را با عبارت «قبیل» نقل می‌کند یک طرف را با عبارتی مانند «اشبه» یا «ظاهر» و برخی عبارات دیگر تأیید و طرف دیگر را رد می‌کند. در حالی که، در خصوص نظریه اجرای حد در عصر غیبت، ایشان هیچ عبارتی که نشان از تأیید نظر مخالف باشد بیان نکرده است.

همچنین مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء (فقیه قرن دوازدهم) که شیخ انصاری (ره) از او در نوشته‌های خود به «بعض الاساطین» تعبیر می‌کند نیز اجرای حد را در عصر غیبت جایز می‌داند و معتقد است بر همه مکلفین واجب است او را در انجام این مهم تقویت و کمک نمایند. <sup>۱۳</sup> به هر صورت، نظریه اجرای حدود در عصر غیبت نه تنها از حیث نظر مورد تأیید بسیاری از فقها بوده است، بلکه برخی از آن‌ها لحاظ بسط پدی که داشته‌اند به اجرای آن اقدام کرده‌اند و آنچه نقل شد صرفاً نمونه‌ای از فتوا بود. بنابراین، ترجمه عبارت «ربما» در عبارت منقول از رساله نماز جمعه محقق کرکی به «بسیاری» را بر بیشتر باید وسیله‌ای برای تأیید نظریه مورد نظر استاد گرانمایه دانست. ▶

### پی‌نوشت

۱. محقق داماد م. (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش جزایی) (ص ۲۹۱). مرکز نشر علوم اسلامی.
۲. محقق داماد م. (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش جزایی) (ص ۲۸۶). مرکز نشر علوم اسلامی.
۳. محقق داماد م. (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش جزایی) (ص ۲۸۶). مرکز نشر علوم اسلامی.
۴. محقق داماد م. (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش جزایی) (ص ۲۸۸). مرکز نشر علوم اسلامی.
۵. اکنون پرسش اصلی از ایشان این است که اگر ادله اقامه حدود مطلق است و نه زمان می‌تواند قید و خصوصیتی محسوب شود و نه شخصیت اقامه‌کننده دخالتی دارد، پس چرا اولاً در زمان حضور، شخص اقامه‌کننده بایست لزوماً منصوب از سوی امام باشد و ثانیاً در زمان غیبت، در فرض آنکه مجتهد عادل موجود نباشد، چه باید کرد؟ آیا می‌پذیرد که عادل‌های مردم عادی، در فرض نبود مردم عادل،

فتنای آنان هم بتوانند مبادرت به اقامه حدود شرعی نمایند؟ علی‌الظاهر پاسخ منفی است و در این حالت بی‌گمان به علت فقدان مجری صالح و اجد شرایط تعطیلی حدود را پذیرا خواهید شد، چراکه ادعای آنکه هر فاسق و فاجری در کمال جهل و بی‌سوادی بتواند تکفل و تصدی اقامه حدود شرعی الهیه را بنماید واضح‌البداهة است (و هذا کماتری). خلاصه آنکه نقش اقامه‌کننده در جواز اجرای حدود مستفاد نمی‌شود. به عبارت دیگر، ادله حدود دیگر به اطلاق خود باقی نمی‌ماند و مقید به وجود مجری صالح می‌شود و احتمال آنکه از ابتدا مجری صالح تنها معصومین باشند قوی و جدی خواهد بود. (محقق داماد م. (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش جزایی) (ص ۲۸۹). مرکز نشر علوم اسلامی).

۶. به دیگر سخن، این گونه مجازات‌ها در فرض آن شرایط و اوضاع و احوال است که مؤمن اگر مورد اغفال شیطان قرار گیرد و مرتکب آن اعمال شود، بلافاصله پشیمان می‌شود و به گفته کریمه «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ»، از خداوند رحیم و غفور طلب مغفرت و توبه می‌کند. گاهی نیز چنان از عذاب اخروی بیمناک است که شرفیاب محضر رسول خدا (ص) می‌شود و به منظور تخفیف عذاب الهی اقرار به گناه می‌کند، و علی‌رغم آنکه آن حضرت سه بار صورت مبارک را از وی می‌گردانند، برای چهارمین بار با طیب خاطر اقرار می‌کند، تا حد شرعی دنیوی بروی جاری و از این رهگذر عذاب اخروی را بر خویش آسان سازد. در چنان جامعه‌ای مرتکبین جرایم با کمال رضایت قلبی، بدون اندک تردیدی در رأی صادره، رنج مجازات را متحمل می‌شوند. بهترین شاهد این مدعا تعبیری است که در هنگام اقرار و درخواست اجرای حد از زبان مرتکبین معاصی صادر می‌شده است. تعبیر این است: «طهرنی طهرک الله» یعنی ای کسی که خداوند تو را پاک و منزه از معاصی گردانده، مرا پاک کن (محقق داماد م. (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش جزایی) (ص ۲۹۳). مرکز نشر علوم اسلامی).

۷. محقق کرکی ع. ب. ج. (۱۴۰۹). رسائل المحقق الذکری (رسالة في صلاة الجمعة) (ج ۱، ص ۱۴۲). مکتبه آية الله العظمى المرعشي النجفي (ره).

۸. محقق داماد م. (۱۳۸۳). قواعد فقه (بخش جزایی) (ص ۲۹۱). مرکز نشر علوم اسلامی.

۹. و لا یحل له مع الاختیار و حصول الأمن من معرفة أهل الباطل الامتناع من ذلك، فمن رغب عنه و لم یقبل حکمه من الفریقین فعن دین الله رغب، و لحکمه سبحانه رده، و لرسول الله صلی الله علیه و آله خالف، و لحکم الجاهلیة ابتغی، و الی الطاغوت تحاکم، ابوالصلاح حلبی ت. ب. ن. (بدون تاریخ). الکافی فی الفقه (ص ۴۲۳). مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علي (عليه السلام) العامة.

۱۰. فمتی تکاملت هذه الشروط فقد أدن له في تقلد الحكم وان كان مقلده ظالماً متغلباً، و عليه متی عرض لذلك أن يتولاها، لكون هذه الولاية أمراً معروف و نهياً عن منکر تعین فرضها بالتعريض للولاية عليه، وان كان في الظاهر من قبل المتغلب، فهو نائب عن ولي الأمر عليه السلام في الحكم و مأهول له لثبوت الاذن منه و آياتهم عليهم السلام لمن كان بصفته في ذلك، و لا یحل له القعود عنه، و ان لم یقلد من هذه حاله النظر بین الناس فهو في الحقيقة مأهول لذلك یأذن ولاة الأمر، و إخوانه في الدین مأمورون بالتحاکم و حمل حقوق الأموال البیه و التمکین من أنفسهم لحد و تأديب تعین عليهم، لا یحل لهم الرغبة عنه و لا الخروج عن حکمه، و أهل الباطل محجوجون بوجود من هذه صفته مکلفون الرجوع الیه و ان جهلوا حقه لتمکنهم من العلم لکون ذلك حکم الله سبحانه و تعالی الذي تعبد (يعتد - خ) بقوله و حظر خلافه. ابوالصلاح حلبی ت. ب. ن. (بدون تاریخ). الکافی فی الفقه (ص ۴۲۳). مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علي (عليه السلام) العامة.

۱۱. و من استخلفه سلطان ظالم علی قوم، و جعل إلیه إقامة الحدود، جاز له أن یقیمها علیهم علی الکمال، و یعتقد أنه إنما یفعل ذلك یأذن سلطان الحق، لا یأذن سلطان الجور، و یجب علی المؤمنین معونته و تمکینه من ذلك، ما لم یعتقد الحق في ذلك، و ما هو مشروع في شریعة الإسلام، طوسی م. ب. ح. (۱۴۰۰). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی (ص ۳۰۱). دار الکتاب العربی.

۱۲. و لولوی و آل من قبل الجائر و کان قادراً علی إقامة الحدود هل له إقامتها قبل نعم بعد أن یعتقد أنه یفعل ذلك یأذن إمام الحق و قبل لا و هو أحوط. شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام (ج ۱، ص ۳۱۲). اسماعیلیان.

۱۳. و قيل يجوز للفقهاء العارفين إقامة الحدود في حال غیبة الإمام ع کمالهم حکم بین الناس مع الأمن من ضرر سلطان الوقت و یجب علی الناس مساعدتهم علی ذلك، و لا يجوز أن یتعرض لإقامة الحدود و لا للحکم بین الناس إلا عارف بالأحكام مطلع علی مأخذها عارف بکيفية إيقاعها علی الوجوه الشرعیة. و مع اتصاف المتعرض للحکم بذلك يجوز الترافع الیه و یجب علی الخصم إجابة خصمه إذا دعاه للحاکم عنده. محقق حلی ج. ب. ح. (۱۴۰۸). شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام (ج ۱، ص ۳۱۲). اسماعیلیان.

۱۴. فيجوز للمجتهد في زمان الغیبة إقامتها و یجب علی جمیع المکلفین تقویته و مساعدته و منع المتغلب علیهم مع الإمكان و یجب علی الإفتاء بالحق مع الأمن (کاشف الغطاء، بدون تاریخ). کاشف الغطاء ج. ب. خ. (بدون تاریخ). کشف الغطاء عن مبهمات شریعة الغراء (ص ۴۲۰). مهدوی.

## نظریه اجرای حدود در عصر غیبت نه تنها از حیث نظر مورد تأیید بسیاری از فقها بوده است، بلکه برخی از آن‌ها با لحاظ بسط پدی که داشته‌اند به اجرای آن اقدام کرده‌اند.

